

## الگوی نظام جهانی و تحلیل جنبش‌های اجتماعی

عباس خلیجی\*

### چکیده

در این مقاله، توانایی تبیین الگوی نظام جهانی در تحلیل جنبش‌های اجتماعی مورد کنکاش قرار می‌گیرد. پرسش اصلی این است که الگوی تحلیلی نظام جهانی در تحلیل جنبش‌های اجتماعی از چه توان تبیینی برخوردار است؟ در این راستا، پس از بیان بنیاد نظری و ویژگی‌های نظریه نظام جهانی، چارچوب روش‌شناختی و الگوی تحلیلی نظام جهانی ترسیم می‌گردد. سپس کاربرد این الگوی تحلیلی در جهت تحلیل جنبش‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به تحولات بنیادینی که در مناسبات سیاسی و اجتماعی در عصر جهانی شدن به وجود آمده است، جنبش‌های نوین سیاسی و اجتماعی در بستر متفاوتی شکل گرفته و از سرشت، اهداف، فرایند و آرمان‌های متفاوتی برخوردارند و پیامدهای دیگری را به ارمغان می‌آورند. بنابراین، دیگر الگوهای تحلیلی سنتی از توانایی لازم برای تبیین علل و عوامل، بسترها و خاستگاه، شرایط و ویژگی‌ها و نتایج و پیامدهای جنبش‌های جدید اجتماعی برخوردار نمی‌باشند. در حالی که به نظر می‌رسد، الگوی تحلیلی نظام جهانی از توانایی تبیین لازم و کارآیی مناسبی برخوردار است و با ویژگی‌های عصر جهانی شدن و جنبش‌های نوین اجتماعی انطباق دارد.

**کلیدواژه‌ها:** روش، روش‌شناسی، روش تحلیلی، الگوی تحلیلی، نظام جهانی، و جنبش‌های اجتماعی

\* استادیار دانشگاه امام حسین (ع)، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی [abbas.khalaji@gmail.com](mailto:abbas.khalaji@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۰

## ۱. مقدمه

روش‌شناسی راهی برای کسب معرفت ژرف و تکاپوی روشمند برای نظریه‌پردازی است. از این‌رو در گستره تاریخ علم، روش‌شناسی برای فهم و درک پیچیدگی‌های خاص علوم انسانی و علل و عوامل گوناگون علوم اجتماعی، توسعه بسیاری یافته است. از سوی دیگر، مسایل چند بعدی انسانی و پدیده‌های پیچیده سیاسی و اجتماعی، صرفاً در چارچوب روش‌های متنوع، متفاوت و گاه ترکیبی قابل تجزیه و تحلیل است. در واقع، به مقتضای موضوع، برای تبیین هر پدیده سیاسی و اجتماعی روش خاصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در هر یک از این روش‌ها تعیین متغیرهای تاثیرگذار، ابزارهای تحلیلی و شیوه‌های تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است. جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در زمره مهمترین پدیده‌های اجتماعی قرار دارند که از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات سیاسی و امنیتی برخوردارند. به طور طبیعی برای بررسی، تحلیل و تبیین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از رهیافت‌های نظری و رویکردهای روشی متفاوت و چندگانه‌ای می‌توان بهره برد. اما در هنگامه‌ای که سخن از ناتوانی و بحران جامعه‌شناسی متعارف به میان آمده است، (آشتیانی، ۱۳۸۸) باید در جستجوی الگوهای تحلیلی بدیلی برآمد. بنابراین، از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی - تحلیلی یا جامعه‌شناسی تاریخی - تطبیقی و در بستر جامعه جهانی، الگوی تحلیلی نظام جهانی یکی از مهمترین و مناسب‌ترین الگوهای روش‌شناختی برای بررسی تحلیلی و تبیین دقیق جنبش‌های سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود. مطالعات تطبیقی - تاریخی به تحلیل‌های علی و تبیین‌های تاریخی از نتایج و پیامدهای پراهمیت و کلان پایه چون جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های بزرگ متعهد و پایبند هستند. (طالبان، ۱۳۸۸، ۵۶) از دیگر سو، «خوداندیشی و آگاهی تاریخی با هم همراهند.» (همیلتون، ۱۳۸۵، ۱۴۲) زیرا هر نظریه اجتماعی می‌بایست از ریشه‌ها و تحولات تاریخی خویش گزارش مناسبی عرضه کند و نقطه عزیمت خود را بر حسب تاریخ تحول درونی‌اش توضیح دهد. از این دیدگاه می‌توان گفت که در پی گسترش مناسبات جهانی شدن یا جهانی سازی، الگوهای تحلیلی سنتی از توانایی لازم برای توضیح و تبیین علمی علل و عوامل، بسترها و خاستگاه، شرایط و ویژگی‌ها و نتایج و پیامدهای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی جدید برخوردار نمی‌باشند. بنابراین، الگوهای تحلیلی جدیدی برای این منظور طراحی و به کار گرفته می‌شود. در این میان، الگوی تحلیلی نظام جهانی از توان تبیین بسیار بالایی برخوردار بوده و با ویژگی‌های عصر جهانی شدن و جنبش‌های آن نیز انطباق دارد. این الگوی روش‌شناختی، ترکیبی از

داده‌های تجربی - تاریخی و یک نگاه عمومی به تاریخ بشر و نظام جهانی به مثابه یک کل واحد را در بر می‌گیرد. واحدی که جهت‌گیری تمامی علوم برای شناخت آن بسیج شده است.

این مقاله در قالب یک درآمد نظری، و سه گفتار جداگانه سامان یافته است. البته هر یک از آنها از بخش‌های مختلفی تشکیل شده‌اند: نخست، معرفی الگوی تحلیلی نظام جهانی؛ دوم، تبیین رابطه الگوی نظام جهانی و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی؛ و سوم، ارزیابی انتقادی برخی از مصادیق تحلیلی در چارچوب الگوی نظام جهانی. نتیجه‌گیری پایانی واپسین بخش مقاله را در بر می‌گیرد.

## ۲. الگوی تحلیلی نظام جهانی

### ۲-۱. تعریف نظام جهانی

نظام جهانی یک نظام اجتماعی یک‌پارچه است که از اعضاء، ساختارها، مرزها، مشروعیت و پیوستگی خاصی برخوردار است. نظام جهانی تنها نظام فراگیر و کامل اجتماعی در جهان است که از ساختارهای درهم تنیده و به هم پیوسته و کامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار می‌باشد.

به نظر سمیر امین، رهیافت نظام محور تمایز میان عوامل خارجی و داخلی را به امری نسبی تبدیل می‌کند. زیرا همه عوامل در سطح نظام جهانی به یک اعتبار داخلی هستند. به نظر والرشترین نیز «نظام جهانی یک پدیده کلی است و به عنوان یک کل عناصر مرتبگی را در درون خود جای داده است. به دلیل ماهیت کلی و واحد نظام جهانی، شناخت اجتماعی نیز ماهیتی کلی و واحد دارد.» (سلیمی، ۱۳۷۹، ۱۳۶) تمام بخش‌های آن در حقیقت ابعاد گوناگون یک کلیت هستند و هدف علوم اجتماعی نیز شناخت تمامیت نظام جهانی است. مطالعه موردی، جریان کلی تاریخ را نادیده می‌گیرد و از درک ژرف پدیده‌های اجتماعی ناتوان است.

در این چارچوب، هر گونه تغییر و تحول اجتماعی مشروط به تحول در نظام جهانی است. زیرا منطبق تغییرات اجتماعی در هر جامعه‌ای از تحولات نظام یک پارچه جهانی تبعیت می‌کند. به عبارت دیگر، توسعه یا تحول اجتماعی در گرو معادلات جهانی و برهم خوردن موازنه قوای آن می‌باشد. بنابراین، تجزیه و تحلیل نظام جهانی شیوه‌ای مهم است که مستلزم

مفهوم‌بندی و درک شیوه شکل‌گیری و پویایی یک نظام جهانی و فهم جهانی شدن به مثابه یک فرایند می‌باشد.

## ۲-۲. مبانی نظری الگوی نظام جهانی

در پی ارایه نظریه نظام جهانی والرشترین در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، نظریه‌های جامعه‌شناختی به سوی درک نظام جهانی سوق یافت. (رابرتسون، ۱۳۸۵) سپس پیشرفت‌های شگرف در حوزه فناوری ارتباطی این مساله را تشدید کرد. تماس و مبادله کالاهای فرهنگی در قالب بسته‌های الکترونیکی امکان‌پذیر شد و ملت‌های جهان بیش از پیش به هم نزدیک شدند. به گونه‌ای که دهکده جهانی شکل گرفت. بر این اساس، منطق تبیینی کارکردگرایانه برای بررسی و تحلیل نقش واحدهای مختلف در نظام جهانی بنا نهاده شد. (کاظمی، ۱۳۸۰، ۲۵۹) زیرا نقش هر واحد در این نظام علت عملکرد آنها تلقی می‌شود. به طور کلی، الگوی تحلیلی نظام جهانی، تلاش علمی برای تغییر کانون توجه در نظریه‌های اجتماعی و انتقال کانون تحلیل از سطح جامعه به سطح جهانی می‌باشد. به همین دلیل، الگوی نظری نظام جهانی یک عصیان نظری علیه رویکردهای سنتی در تحقیقات اجتماعی تلقی می‌شود. (سو، ۱۳۷۸، ۲۱۲) بدین ترتیب، ریشه‌های نظری نظام جهانی را باید در سنت علمی رادیکال و بدبینی نظری نظریه‌پردازان مکتب وابستگی جستجو کرد. در عین حال، سنت جامعه‌شناسی تاریخی در مکتب آنال و برودل نیز بر آن تاثیر نهاده است. (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۷۲) زیرا کتاب تاثیرگذار «تاریخ جهانی» برودل با ارایه یک سطح تحلیل فراملی و جهانی، به منزله پیشاهنگ تحلیل تمدنی و جامعه‌شناسی جهانی تلقی می‌شود. از این دیدگاه، سلسله مراتب اجتماعی، دولت‌ها و شهرها با تمرکز بر تاریخ مقطعی و ساختاری، به طور ایستا انجام می‌شود. بدین ترتیب، رهیافت برودل محور اصلی نظریه نظام جهانی قرار گرفت و ساختارهای زندگی روزمره در بستر تاریخ جهانی بررسی و تحلیل شد. (همیلتون، ۱۳۸۵، ۱۴۵-۱۴۶)

به طور کلی، نظریه نظام جهانی از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی منحصر به فردی برخوردار است. بنابراین، شناخت الگوی تحلیلی نظام جهانی مستلزم فهم این بنیادهای نظری است.

به لحاظ معرفت‌شناختی این نظریه منتقد جریان اصلی شناخت در علم تجربی مدرن است و جزئی‌نگری علمی، ادعای کسب حقیقت جوهری و فرازمانی بودن و رهایی علم از بند

ارزش‌های فرهنگی و تاریخی آن را به چالش می‌کشد. در مقابل، نظریه نظام جهانی بر کل-گرایی، نگاه تاریخی و نگرش انتقادی نسبت به پدیده‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و امکان نیل به شناخت نسبی این پدیده‌ها تاکید دارد. از این منظر، مفاهیم علمی بازتاب وضعیت‌های خاص اجتماعی است و همواره ظهور و افول مفاهیم گویای محدودیت زمانی حقیقت است. در نتیجه، حقیقت به تفسیری از جهان اجتماعی بدل می‌شود که تنها برای عصر کنونی معنادار است. این رویکرد معرفتی، مطالعات مبتنی بر نظام اجتماعی را ارزشمدار و جانبدارانه می‌سازد. چون انگاره علم رها از ارزش را رد می‌نماید. علوم اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک می‌شود و گزینش هر چارچوب مفهومی یک گزینه سیاسی تلقی می‌گردد. در واقع، هر ادعایی در باره حقیقت ارزشی است. (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ۲۵۵-۲۵۷)

در بعد هستی‌شناختی، نظریه نظام جهانی یک نظریه ساختاری و کل‌گرایانه می‌باشد و به همه پدیده‌های تاریخی - اجتماعی نگرشی ساختارگرایانه دارد. البته این نظریه تنها برای ساختار نظام جهانی اصالت قایل است. نگرش کل‌گرایانه و ساختاری به جهان نیز موجب اهمیت کارکردگرایی و فهم کارکرد نظام می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ۲۵۶-۲۵۷) بدین‌سان، چشم‌انداز نظام جهانی با برداشت خاصی از تاریخ جهان، آن را به مثابه ظهور نظام واحدی تلقی می‌کند و دگرگونی اجتماعی بلندمدت و گسترده آن را تحلیل و تبیین می‌نماید. در واقع، این نظریه نظام‌محور، چشم‌اندازهای جامعه‌ای و فراجامعه‌ای را با هم ترکیب می‌کند و مفروضه متعارف علوم اجتماعی - دال بر توانایی تحلیل و تبیین تحولات گوناگون در جوامع انسانی بدون توجه به چگونگی پیوندهای گسترده آنها با شبکه‌های فراجامعه‌ای و نظام جهانی و آثار تحدید کننده آن - را به چالش می‌کشد. به عبارت دقیق، در نظام جهانی حیات اجتماعی یک کلیت به هم پیوسته است و بایستی کلیت آن درک شود. همه چیز در خدمت کارکرد و پویایی این تمامیت اجتماعی قرار دارد و امر اجتماعی نیز به عنوان یک واحد در تمامیت آن تلقی می‌شود. در نتیجه، نگاه جزئی به اجزای مختلف نظام (کلیت نظام) فارغ از کارکرد و نقش آن در درون واحد اصلی باعث گمراهی محقق و عدم درک منطقی تحولات می‌شود.

به طور کلی، مفهوم محوری نظام اجتماعی از این دیدگاه کل‌نگرانه ناشی می‌شود و شکل و ماهیت نظام اجتماعی نیز از تقسیم کاری ناشی می‌شود که هم تداوم حیات نظام را تضمین

می‌کند و هم وابستگی متقابل اجزای آن را سبب می‌شود. رمز ماندگاری نظام جهانی و تحول آن نیز در همین نکته نهفته است.

در سطح روش‌شناختی نظریه نظام جهانی با تکیه بر روش دیالکتیکی، از بصیرت‌های جامعه‌شناسی تاریخی بهره می‌گیرد. جامعه‌شناسی تاریخی یک حوزه مطالعاتی بین رشته‌ای کلان‌نگری است که چالشی برای تقسیم‌بندی مدرن رشته‌های مختلف در مطالعات اجتماعی به شمار می‌رود. سنت جامعه‌شناسی بر کشف روابط عام و پایدار میان پدیده‌های اجتماعی تاکید دارد. در حالی که تاریخ در پی توصیف و تبیین پدیده‌های خاص تاریخی است. بنابراین، جامعه‌شناسی تاریخی طیفی از سنت کهن فلسفی و تاریخی را در بر می‌گیرد که به دنبال آشکار ساختن الگوها عام و ساختارهای جهان‌شمول در بستر تاریخ بشر است. (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ۲۵۷-۲۵۹ و ← اسکاچ‌پل، ۱۳۸۸) به عبارتی، جامعه‌شناسی تاریخی به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و تحول، نهادها، فرایندها و ساختارهای اجتماعی نظر دارد. در این میان، دیدگاه دیالکتیک نظام جهانی در پی فهم آن است که حفظ یا تغییر ساختاری خاص در نقطه‌ای معین زمانی چه نتایج و پیامدهایی برای کل و اجزاء آن دارد. بنابراین، این الگوی نظری هم به ثبات و تغییر (ساختار و تحول) توجه دارد و هم به کل و اجزاء آن. بدین سان، الگوی تحلیلی نظام جهانی، به طور کلی، تلاشی برای تغییر کانون توجه تحلیلی بخش عظیمی از نظریه اجتماعی به شمار می‌رود. زیرا این الگو می‌کوشد تا کانون تحلیل جامعه‌شناختی خود را از سطح جامعه به سطح جهان منتقل سازد (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۷۱-۷۲) و نظریه‌های توانا و قابل تعمیم در سطح جهانی ارائه دهد.

به طور کلی، ضرورت دریافت و پرداخت داده‌های تجربی در این دیدگاه روشی پذیرفته می‌شود. اما شیوه جمع‌آوری داده‌ها و نظریه‌پردازی اجتماعی آن متفاوت است. نظریه نظام جهانی در پی روش جدیدی است که فراتر از روابط خشک داده‌های تجربی عمل می‌کند و توضیح مناسبی از آنها ارائه می‌نماید. بنابراین، انبوه شواهد تاریخی و داده‌های تجربی در خدمت فهم کلی از روند عمومی و فرایند کلی تاریخ جامعه‌شناختی از جهان قرار می‌گیرد. (سلیمی، ۱۳۷۹، ۱۳۴-۱۳۵) بدین ترتیب، یک روش‌شناسی ترکیبی از داده‌های تجربی - تاریخی و یک نگرش عمومی نسبت به تاریخ بشر و منطق دگرگونی عام جهانی حاصل می‌شود. نظام جهانی نیز کل واحدی است که جهت‌گیری تمامی رشته‌های علوم اجتماعی برای شناخت و درک آن است.

## ۲-۳. ویژگی‌های الگوی نظام جهانی

همان گونه که اسکلیر به درستی اشاره می‌کند: «ویژگی اصلی نظام جهانی یک عدم تقارن بسیار بزرگ است.» (اسکلیر، ۱۳۷۴، ۱۶) این عدم تقارن، در واقع، میان مرکز - پیرامون یا مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون است. در این فضای نامتقارن، ارزش‌های فرهنگی و کالاهای فرهنگی، سیاسی، ایدئولوژیکی این نظام در تملک یا تحت نظارت تعداد اندکی از کشورهای مرکزی قرار گرفته است. زیرا نظام جهانی مدرن بر اثر فشار فزاینده نیروهای سازمان دهنده سرمایه‌داری شکل گرفته است و همواره به سوی بیرون - از مرکز به پیرامون - رو به توسعه و گسترش دارد. این نیروی فشار مرکزی جوامع پیرامونی را تحت تاثیر دائمی قرار داده است. تاثیرات جهانی گذار به دموکراسی در کشورهای پیرامونی نمونه آشکار این گونه از فشارهای بیرونی است که البته آثار و پیامدهای بسیار مهمی در جوامع پیرامونی بر جای نهاده است. (هانتینگتون، ۱۳۶۲، ۱۲۶-۱۳۰ و ← بشیریه، ۱۳۸۴ و بشیریه، ۱۳۸۷) در همین راستا، «اساس تحلیل نظام‌های جهانی این بحث است که هر گونه بررسی در باره ماهیت پدیدارهای اجتماعی و سیاسی باید آنها را در ارتباط با «کلیت» اجتماعی مشخص درک و تبیین کند.» (همیلتون، ۱۳۸۵، ۱۴۹) تحولات دولت ملی یا تغییر و تحول در جامعه ملی به طور جداگانه قابل فهم نیست. دولت‌ها و جوامع مختلف بشری در درون فضا و در چارچوب ترکیب پیچیده‌ای از مناسبات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند که بر روی هم تاثیر متقابل می‌گذارند. بنابراین، الگوهای سنتی جامعه‌شناسانه در مقایسه با الگوی نظام جهانی ارزش انکشافی چندانی ندارند. در حالی که توان تحلیلی و قدرت تبیین الگوی نظام جهانی در این نکته نهفته است که تلاش و پیگیری آن برای فهم الگوی نظام‌مند روابط پیچیده میان کنشگران اجتماعی داخلی و خارجی معطوف است. تلاشی که پیش از آن به طور مجزا یا صرفاً به صورت تطبیقی انجام می‌شد.

بنابراین، نظام اجتماعی جهان‌گستر، یک مفهوم محوری در الگوی تحلیلی نظام جهانی تلقی می‌شود. به نظر رابرتسون، انگاره جدیدی از جهان شکل گرفته است که در چارچوب آن همبستگی معنادار در شرایط انفکاک اجتماعی و مساله هویت فرد در جامعه‌ای بازتعریف می‌شود که در قالب دولت و نهادهای تفکیک شده سامان یافته است. در این معنا جامعه جهانی نظامی متشکل از دولت‌ها یا یک جمهور جهانی است و از یک سلسله واحدهای مستقل و با پیوند مستقل تشکیل شده است. در این جمهور جهانی، استقلال واحدها و تقدم منابع راهبردی به رسمیت شناخته شده است. در قالب چنین انگاره‌ای، جنبش‌های اجتماعی

رویکردی ضد نظام دارند و موجودیت کلان نظام جهانی را تهدید می‌کنند. بنابراین، علوم اجتماعی باید تحولات جهانی را در بستر واحدی بررسی و تحلیل نماید. بدون شناخت ارزش‌های مشترک نظام جهانی و وجدان عمومی بشری، امکان توضیح و تبیین تحولات اجتماعی وجود ندارد.

### ۳. الگوی نظام جهانی و جنبش‌های اجتماعی

در این گفتار کاربرد الگوی نظام جهانی در تحلیل جنبش‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه انسانی به مثابه پدیده‌ای دگرگونی‌پذیر همواره در معرض تغییرات کلی یا جزئی و ساختاری یا سطحی قرار داشته و دارد. چگونگی این دگرگونی‌پذیری با شرایط خاصی که جامعه در آن قرار دارد، تعیین می‌شود. در خلال سه نسل متفاوت از نظریه‌های جهانی شدن، این فرایند مورد بررسی مداوم قرار داشته است. یعنی اندیشمندان نسل‌های مختلف جامعه‌شناسی، از کنت تا مارکس و از پارسونز تا روزنا و بالاخره از هاروی تا رابرتسون، همواره فرایند همگرایی و واگرایی و وابستگی و استقلال نیروهای جهانی‌ساز در عرصه جهانی را پیگیری و مطالعه کرده‌اند. (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۳۱-۵۳) در این میان، جنبش‌های اجتماعی به عنوان یکی از رفتارهای جمعی معترضانه (شبکه وسیعی از افراد، محافل و گروه‌های غیر رسمی و رسمی) پدیده‌ای مختص جوامع مدرن هستند. منظور از جنبش‌های اجتماعی جدید، جنبش‌هایی است که پس از دهه ۱۹۶۰ به طور عمده در جوامع صنعتی و پیشرفته اروپای غربی و آمریکای شمالی سر برآورده و بسیار وسیع، گسترده و متنوع بوده و طیف عظیمی از نیروهای اجتماعی و گروه‌های سیاسی را در برمی‌گیرند؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را نوعی کوشش جمعی تقریباً سازمان‌یافته بخش قابل ملاحظه‌ای از افراد جامعه دانست که با هدف تغییر و دگرگونی در بخشی از نظام اجتماعی (اندیشه، رفتار، مناسبات اجتماعی و نهادهای سیاسی و اجتماعی) و عناصر جامعه، خارج از حوزه نهادهای رسمی، به صورت یکپارچه و هماهنگ عمل می‌کند. این جنبش‌ها در طول چند دهه اخیر زندگی اجتماعی را به انحای مختلف تحت تأثیر قرار داده، تعاریف جدیدی از معنا، هویت و شیوه‌های زندگی ارائه داده و مسایل موضوعات جدیدی را وارد این حوزه از مطالعات سیاسی و اجتماعی کرده‌اند.



### ۳-۱. ویژگی‌های اساسی نظام جهانی یا جامعه جهانی

با ظهور نظام سرمایه‌داری و گسترش تدریجی آن در سطح جهانی، روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مختلف و ملل گوناگون جهان رو به توسعه و گسترش نهاد. این امر در میانه سده بیستم به بالاترین حد خود رسید. به گونه‌ای که اندیشمندان جامعه‌شناسی غرب در خلال دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی از ظهور یک نظام جهانی یک‌پارچه سخن می‌گفتند. در این نظام جهانی نیازهای بشری به هم نزدیک گشت و اقتصاد جهانی در هم تنیده شد. به گونه‌ای که ادغام در جهان سرمایه‌داری سرنوشت محتوم همه کشورهای جهان تلقی می‌شد. در چارچوب در هم‌تنیدگی روابط اقتصادی در سطح جهان، فضای فرهنگی جهان نیز به هم نزدیک شد. رشد و پیشرفت و توسعه فناوری‌های نوین، به ویژه فناوری‌های نوین ارتباطاتی (مخابرات، ماهواره، رادیو، تلویزیون و اینترنت) به این فرایند شدت بخشید؛ فرایندی که با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی از آن یاد شده و جهان را به یک دهکده کوچک قابل دسترس عمومی تبدیل کرده است. در این میان، نقش فناوری‌های نوین ارتباطی و رسانه‌های جهانی و به ویژه شبکه جهانی اینترنت در جهانی سازی فرهنگ بسیار مهم و اساسی ارزیابی می‌شود. به گونه‌ای که از آن به عنوان شبکه جهانی اینترنت یاد می‌شود و همین عنوان جهانی نشانگر عمق و گستره نفوذ آن از سویی و نقش برجسته و تاثیرگذاری عمیق آن در نزدیکی فرهنگ‌های جهانی و محلی و جهان‌شمولی ارزش‌های فرهنگی در جهان دارد. در چنین شرایطی، والرشتاین در آخرین اثر خود به گونه‌شناسی بحران‌های نظام جهانی پرداخت و به جهانی شدن بحران در نظام جهانی اشاره کرد. وی معتقد است، چون تنوع بالایی در بحران‌های جهانی وجود دارد، نیازمند گونه‌شناسی آنها است. این گونه‌شناسی و طبقه‌بندی علمی خود دلیل بر تنوع بحران‌هاست (والرشتاین، ۱۳۸۴، ۱۵۳) در میان این بحران گوناگون، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و بحران علم، بسیار مهم و اساسی ارزیابی شده است. (والرشتاین، ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۷۵)

بدین ترتیب، فرایند جهانی شدن در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به نهایت حد خود رسیده و همه تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به سرعت در سطح جهان بازتاب گسترده‌ای می‌یابد و ضمن تاثیرپذیری از تحولات جهانی بر تحولات بعدی نیز تاثیر می‌گذارد. البته در این میان، خیزش امواج آزادی‌خواهی یا رشد و گسترش فرایند دموکراسی‌خواهی (دموکراتیزاسیون) در هر گوشه‌ای از جهان به سرعت امواج خود را به سوی سایر کشورهای جهان سوق می‌دهد و پژواک طنین‌انداز آن در سطح جهانی انعکاس

می‌یابد. بنابراین، امروزه با گسترش فرایند جهانی شدن و توسعه حوزه نفوذ نظام جهان-گستر آن در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، جامعه داخلی و سطح تحلیل ملی، واحد تحلیلی مناسبی برای تجزیه و تحلیل این گونه از جنبش‌های نوین سیاسی و اجتماعی تلقی نمی‌شود. زیرا همه جوامع بشری در درون شبکه‌ای از روابط گسترده و برون مرزی قرار گرفته و از پویایی نظام جهانی و تحولات جهانی تأثیرات گسترده و عمیقی می‌پذیرند. این نظام جهانی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر شکل‌گیری زمینه‌ها و گسترش فرایندهای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد و البته از آن تأثیرات متقابلی نیز می‌پذیرد.

نماد اصلی جهانی شدن در جهان کنونی خود را در عرصه فرهنگ به رخ جهانیان می‌کشد و تبیین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از این منظر آثار تحلیلی جدیدی را نمایان می‌سازد. ویژگی‌های جهانی شدن فرهنگ، پیچیدگی فهم فرایندهای جهانی، منطقه‌ای و محلی را رقم زده است. فضای مترکم مدرن ناشی از فشردگی زمان و مکان، در هم تنیدگی فرهنگی و اجتماعی جهانی، شکل‌گیری افکار عمومی جهانی، ایجاد جامعه مدنی جهانی، پژوهش‌های پرتنوع و بازتاب سریع اخبار محلی در سطح جهانی، یک‌پارچگی شیوه‌های گذران اوقات فراغت و همگونگی الگوی سبک زندگی با توجه به ارایه الگوهای یکسان سبک زندگی غربی در جهان، ظهور الگوهای فرهنگی و اجتماعی جهانی برای زندگی بشری و ... از دیگر پیامدهای این فرایند نوظهور است. در این بستر فرهنگی و اجتماعی جهانی شده است که جنبش‌های سیاسی و اجتماعی نیز از الگوهای یکسان جهانی پیروی می‌کنند. یعنی این گونه جنبش‌های اجتماعی از نظر خاستگاه فکری و نظری، شیوه‌های سازمان‌دهی و پیگیری اهداف، سبک سیاسی شدن، تأکید بر اهداف و آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی، یکسان عمل می‌کنند و به ویژه در انتخاب الگوی سبک زندگی و مقاومت علیه وضع موجود، گرایش آشکاری به پیروی از الگوهای جهانی دارند و از نظر نتایج و پیامدهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مشابه هم هستند. بنابراین، الگوهای تحلیلی و چارچوب نظری یکسانی را برای تبیین آنها می‌توان به کار برد.

به طور کلی، ویژگی‌های مهم نظام جهانی در چند نکته قابل خلاصه است:

۱. شکل‌گیری جهان‌های بزرگ و فراگیر، مانند جهان اسلام، جهان سیاهان و جهان زنان.
۲. تقسیم کار فزاینده جهانی که گستره فعالیت شرکت‌های فراملی و چندملیتی است.
۳. تمرکز شدید سرمایه که جانشین امپراتوری‌های استعماری کهن شده است.

### ۳-۲. ویژگی‌های جنبش‌های نوین اجتماعی

تاریخ جنبش‌های سیاسی و اجتماعی دو‌یست سال اخیر در جهان، تاریخ تلاش مستمر مبارزه برای نیل به اهداف انقلاب‌های دموکراتیک (آزادی، برابری و برادری) بوده است: در حقیقت، جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش ملی، جنبش‌های کارگری و جنبش‌های چپ‌گرایانه هدف مبارزاتی خود را نیل به قدرت قرار داده‌اند تا پس از کسب قدرت دولتی و تشکیل نظام سیاسی مطلوب خویش در جهت تحقق اهداف سیاسی و آرمان‌های ایدئولوژیک خویش بکوشند. اگر چه همواره در این راه کامیابی مطلوبی نداشتند. بنابراین، بیشتر جنبش‌های سیاسی و اجتماعی جدیدی که پس از جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ فرانسه شکل گرفتند، نوعی جنبش ضد نظام تلقی می‌شوند و بنابراین، گسستی بنیادی از الگوهای پیشین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی به شمار می‌روند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق از سویی و آغاز فرایند جهانی‌سازی یا جهانی شدن از سویی دیگر، نظام جهانی به کلی دگرگون شد و شرایط نوینی برای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی فراهم گردید. البته نظام جهانی در نتیجه منطق درونی نظام سرمایه‌داری و تا حدی به دلیل فعالیت جنبش‌های ضد نظام تحول یافته بود. بنابراین، اینک بستر فعالیت جنبش‌های نوین سیاسی و اجتماعی متفاوت شده است.

به طور کلی، الگوی تضاد سیاسی و اجتماعی در جنبش‌های نوین اجتماعی، به چند دلیل مهم و اساسی، در نقطه مقابل مدل تضاد طبقاتی قرار دارد. زیرا نخست، این تضاد نه به وسیله یک طبقه، بلکه توسط یک ائتلاف اجتماعی عمومی وارد عرصه کارزار سیاسی می‌شود. در واقع، این ائتلاف تعداد متغیری از عناصر وابسته به طبقات متفاوت و حتی افراد بی طبقه را در بر می‌گیرد. دوم، این تضاد، تنها تضاد میان کارگزاران اقتصادی اصلی شیوه تولید نیست؛ بلکه ا در واقع ائتلافی است که هر عنصری از این طبقات اصلی را شامل می‌شود. سوم، این مطالبات مختص طبقات اجتماعی خاصی نبوده، بلکه قویاً عام یا بر عکس بسیار خاص می‌باشند. از این‌رو، جنبش‌های نوین اجتماعی، به هر حال یا کم و بیش در بر گیرنده یا بی قید و شرط‌تر از موضوعات طبقاتی می‌باشند. (کوهن، ۱۳۸۶، ۲۰۰) به طور کلی، این گونه از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی از دو جنبه جدید تلقی می‌شوند. نخست، این جنبش‌ها از ویژگی‌هایی برخوردارند که آنها را از جنبش‌های اجتماعی پیشین متمایز می‌سازد. دوم، تازگی این جنبش‌ها ناشی از ظهور در متن یک صورت‌بندی جدید اجتماعی

است. (نش، ۱۳۸۲، ۱۳۱) به عبارت دیگر، آنها نمادی از مناسبات سیاسی و اجتماعی جدید هستند.

در این شرایط جنبش‌های نوین اجتماعی با امکانات و محدودیت دیگری عمل می‌کنند. طغیان فرهنگی جهان‌گستری، پیامد گسترش بی‌رحمانه نظام اجتماعی - به ظاهر - عقلانی است که به لحاظ جوهری پیوسته غیرعقلانی‌تر می‌شود. در این میان، از ویژگی‌های بارز موج جدید جنبش‌های اجتماعی، تعدد آنها حول محورهای خاص اقلیت‌های قومی، نژادی، جنسیتی، هویتی، مهاجران، جوانان، زنان و ... است. همه آنها خود را جزئی از یک کلیت بزرگتر (اما بدون شکل و سازماندهی خاص) می‌دانند. محور جنبش‌های نوین اجتماعی در جهان غرب، بخش‌های پیرامونی و حاشیه‌ای جامعه، و در جهان شرق مخالفت با سلطه بی‌رحمانه دیوان‌سالاری و در جهان سوم (کشورهای جنوب) مخالفت با روند غربگرایی و پیامدهای ویرانگر آن است. با این حال، وجه اشتراک هر سه آنها بدبینی به راهبرد سنتی جنبش‌های قدیمی (یعنی کسب قدرت دولتی برای نیل به اهداف سیاسی و تحقق آرمان‌های ایدئولوژیک) است. در این میان، فرایندهای جهانی سازی و گسترش فناوری ارتباطی، فرصت مناسبی برای پیوند و ائتلاف جنبش‌های نوین اجتماعی فراهم ساخته است. به گونه‌ای که سطوح فعالیت آنها هم محلی و هم ملی است. یعنی آنها هم از ارتباطات و فعالیت‌های فراملی برخوردارند و هم از چارچوب دولت ملی فراتر می‌روند. ساختار منعطف و سازمان انعطاف‌پذیر آنها که معمولاً به نهادینگی منجر نمی‌شود، به توانایی و پویایی بیشتر آن کمک می‌کند.

سایر ویژگی قابل ذکر جنبش‌های نوین اجتماعی به ترتیب زیر است:

۱. گاه تهاجمی (جنبش اقلیت) و گاه تدافعی (اکثریت) عمل می‌کنند؛
۲. فعالیت گسترده گروه‌های حاشیه‌ای چون زنان و جوانان را در بر می‌گیرند؛
۳. ساختاری متفاوت از ساختارهای سلسله‌مراتبی متعارف دارند؛
۴. شامل فعالیت مسلحانه و غیرمسلحانه است که با حضور زنان گرایش غیرمسلحانه آن بیشتر می‌شود؛
۵. آنها در قواعد رایج بازی سیاسی بازنگاری نموده و اتکای فزاینده به قواعد بازی قدرت اجتماعی یا رویکرد مدنی دموکراتیک دارند؛ به گونه‌ای که به تغییر مرکز ثقل اجتماعی و سیاسی نهادین در دولت به سوی قدرت مردمی و دموکراسی مدنی مشارکت‌آمیز در حوزه -

های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند. بنابراین، «دموکراسی و بسط آن به دموکراسی مدنی و مشارکتی مهمترین ذهن مشغولی ذهنی جنبش‌های جدید است.» (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ۱۷۳) به طور کلی، ویژگی‌های اساسی جنبش‌های اجتماعی جدیدی را که پس از دهه هشتاد میلادی شکل گرفتند، به ترتیب زیر می‌توان جمع‌بندی کرد و برشمرد:

۱. جهانگیری رویه‌های نوین، ظهور گسترده کنش‌های جمعی غیر خشونت‌آمیز و عمل-گرایانه در روش، ادغام نشده و پراکنده در ساختار، ضدسلسله مراتبی و شبکه‌مند در سازماندهی، ناهمگن در پایگاه اجتماعی، غیر اجباری در مشارکت مردمی و غیرانحصاری در هواداری و حامی‌پروری؛

۲. برخورداری از ابعاد گوناگون جهانی و تاکید بر موضوعات فراملی؛

۳. مداخله در حوزه‌های نامتعارف و عرصه‌های بین‌المللی که هم موضوعات و هم حوزه مداخله آن فراملی و جهانگیر است. برخی از نمونه‌های آن حمایت جنبش سبزها از محیط زیست، جنبش‌های طرفداری از صلح، مخالفت با گسترش و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، مخالفت با تبعیض قومی و نژادی، و مقابله با گرسنگی است.

### ۳-۳. اهمیت، ضرورت و جایگاه الگوی نظام جهانی

نظریه والرشتاین در باره نظام جهانی سرمایه‌داری، نقطه عزیمت اساسی الگوی نظام جهانی و به عبارتی، چشم‌انداز تحلیلی مفروض این جنبش‌ها می‌باشد. بر این پایه، نظام جهانی سرمایه‌داری بر اساس منطق درونی خود در جهات مختلف جغرافیایی گسترش یافت و سرانجام همه کشورهای جهان را در بر گرفت. به نظر وی یک نظام جهانی، یک نظام اجتماعی است که مرزها، ساختارها، گروه‌های عضو، قواعد مشروعیت و پیوستگی‌های خاص خود را دارد. از دیدگاه او، «قبایل، جوامع، یا حتی دولت‌های ملی، سیستم‌های فراگیر و کاملی نیستند؛ زیرا از نظر اقتصاد معیشت به سیستم‌های دیگر نیازمندند. اما نظام‌های جهانی چنین نیستند. بنابراین نظام جهانی تنها نظام فراگیر و کامل اجتماعی است که می‌تواند ساختارهای به هم پیوسته و کامل‌کننده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در درون آن یافت و مورد مطالعه قرار داد.

والرشتاین در کتاب سه جلدی جهان - نظام مدرن خود بر این باور است که «توسعه سرمایه‌داری در حقیقت، دزدی در مقیاس جهانی است.» (ر.ک. به سو، ۱۳۷۸، ۲۱۲) زیرا

توسعه سرمایه‌داری، توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای پیرامون را غیرممکن یا دست کم دشوار ساخته است. چشم‌انداز سیاسی آثار والرش‌تاین طبقات اجتماعی را بازیگرانی فراملی تلقی می‌کند که طبقات بالا را در مرکز و طبقات پایین را در پیرامون متمرکز ساخته است. بر این اساس، هر گونه تغییر اجتماعی مشروط به تغییر نظام جهانی است و سوسیالیسم تنها از طریق انقلاب در کل نظام جهانی تحقق خواهد یافت. در واقع، توسعه و تغییر اجتماعی داخلی، در گرو گریز از هژمونی غرب و به ویژه سلطه آمریکاست. بدین سان، دیدگاه نظام جهانی، یک نظریه نیست، بلکه یک عصیان است؛ «عصیان علیه شیوه‌هایی که از همان آغاز پیدایش تحقیقات علوم اجتماعی در اواسط قرن نوزدهم، به همه ما تحمیل گردید.» (ر.ک. به سو، ۱۳۷۸، ۲۱۲) والرش‌تاین شیوه رایج تحقیقات علمی را از دو جهت «تحدید و نه ترغیب» بسیاری از پرسش‌های مهم تحقیقی و هم به لحاظ ناتوانی آن در «طرح عقلانی گزینه‌های واقعی تاریخی» که پیش روی بشر قرار دارند، مورد انتقاد قرار داد.

به طور کلی، الگوی نظام جهانی از دیدگاه کلانی به جنبش‌های اجتماعی می‌نگرد و برخلاف سایر نظریه‌های موجود که جنبش‌های اجتماعی را به مثابه پدیده‌ای در درون نظام ملی و ساختار دولت ملی ملاحظه و بررسی و تبیین می‌کنند، به این پدیده در چهارچوب تحولات کلان جهانی نگاه می‌کند. در این میان، برخی از نظریه‌پردازان نظام جهانی جنبش‌های نوین اجتماعی را در مقابل نظام جهانی سرمایه‌داری تحلیل و ارزیابی می‌کنند و بنابراین، موضعی ارزشی نسبت به آن دارند. در واقع، موضعی تعهدآمیز در قبال جنبش‌های مذکور اتخاذ می‌کنند. زیرا تقاضای اصلی این گونه جنبش‌ها را آزادی، برابری و دموکراسی و رعایت حقوق بشر و تلاش در راه تحقق اهداف انقلاب فرانسه و شعارهای سه‌گانه آزادی، برابری و برادری آن می‌دانند.

### ۳-۴. چگونگی تبیین جنبش‌های نوین اجتماعی در چارچوب الگوی نظام جهانی

به طور کلی، در چارچوب الگوی نظام جهانی، رابطه جهانی شدن و جنبش‌های اجتماعی به گونه متفاوتی درک و تبیین می‌شود. ظهور و گسترش پدیده جهانی‌سازی بر رهیافت‌های تحلیلی در علوم اجتماعی تاثیر نهاده و مطالعات اجتماعی از حصار محدود دولت ملی بیرون آمده و پدیده‌های اجتماعی در بستر جهانی شدن مطالعه و تحلیل می‌شود. در فرایند جهانی شدن هم امور جهانی جنبه محلی می‌یابد و هم امور محلی جنبه جهانی پیدا می‌کند.

بنابراین، فرایندهای جهانی شدن کل جهان را به هم وابسته می‌سازد و هم کنشگران و هم واکنشگران به تحولات آن را هماهنگ می‌نماید.

مطالعه جنبش‌های نوین اجتماعی در بستر جهانی شدن، در چهارچوب دو بعد از مفهوم-بندی رابرتسون صورت می‌گیرد: نخست، برخی فرایندها جهان را به هم وابسته می‌سازند. عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که هر یک بر جنبش‌های اجتماعی تاثیر می‌گذارند. ظهور حوزه‌های موضوعی جهانگیر از سویی به معنای اشتراک موضوعی در جنبش‌های نوین اجتماعی است: جنبش‌های محیط زیست، جنبش‌های ضد سلاح‌های هسته‌ای، و جنبش‌های گوناگون اقلیت‌های قومی، نژادی، سنی، جنسیتی، مذهبی و زبانی و به طور کلی، جنبش‌های جهانی که هویتی سیال و موقت، اما مشترک و جهانگیری را تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر زمینه پیوند میان این جنبش‌ها و شکل‌گیری جنبش‌های فراگیر و جهانی را فراهم می‌سازند. دوم، مجموعه آثار و پیامدهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهانی شدن زمینه اصلی شکل دادن به هویت‌های جدید و در نتیجه جنبش‌های نوین اجتماعی است. جهانی شدن مفاهیم حقوق بشری به جنبش‌های طرفدار حقوق بشر شتاب روزافزونی می‌بخشد و همین جنبش‌ها در فرایند محلی‌سازی امر جهانی، نمودهای محلی متفاوتی می‌یابند. به عبارت دیگر، هویت‌های جدید محلی در مقابله با جهانی شدن شکل می‌گیرند: ظهور جنبش‌های زیست محیطی، جنبش‌های صلح‌گرا، جنبش‌های بومی‌گرا، جنبش‌های قوم‌گرا، جنبش‌های بنیادگرا و جنبش‌های ملی‌گرا (ضد سازمان تجارت جهانی) و ... از آن جمله است. در این میان، برخی از تحلیلگران سیاسی و اجتماعی، در چارچوب یک جامعه مدنی جهانی به جنبش‌های نوین اجتماعی می‌نگرند که تجلی آن ظهور جنبش‌های اجتماعی فراملی است. بنابراین، از این دیدگاه پنج دعوی مهم خلاصه می‌شود:

۱. در عصر جهانی شدن ارتباطات، ساختارهای فرصت سیاسی ملی جای خود را به ساختارهای سیاسی فراملی می‌دهد.

۲. دولت ملی ظرفیت‌های مهار کنش جمعی را از دست می‌دهد. زیرا روند همگرایی روزافزون جهانی ظرفیت دولت ملی را تضعیف می‌کند و توانایی آن را کاهش می‌دهد.

۳. منابع جدیدی برای کنش جمعی فراملی ایجاد می‌شود: الگوی جهانی، ارتباطات فراملی، ساختار جهانی و نهادهای بین‌المللی.

۴. ارزش‌های جهان‌شمول و هنجارهای بین‌المللی در فرایند جامعه‌پذیری داخلی پذیرفته می‌شوند.

۴. شبکه‌ای از سازمان‌ها و جنبش‌های فراملی در چهارچوب هنجارهای بین‌المللی شکل می‌گیرد که در سطح ملی نیز ایفای نقش می‌کند و بر آن تاثیر می‌گذارد. بنابراین، توسعه و تعمیق فرایند جهانی شدن پیامدهای مهمی در حوزه جنبش‌های نوین اجتماعی بر جای نهاده است.

۱. با انتشار باورها و شیوع عقاید جهان‌شمول، شیوه‌های سازماندهی، استراتژی و تاکتیک یکسان و هماهنگ، مجموعه‌ای از شباهت‌های فراملی در بسیج اعتراض‌آمیز مردم در جامعه جهانی ایجاد می‌کند.

۲. برخی فرصت‌های سیاسی و فرهنگی و بعضی محدودیت‌های بین‌المللی برای جنبش‌های نوین اجتماعی پیدا می‌شوند.

۳. جنبش‌های اجتماعی فراملی با بهره‌گیری از این فرصت‌های جهانی در یک بازی چند سطحی به بازیگران مهم جهانی و کارگزاران تغییر و دگرگونی تبدیل می‌شوند. با این حال، تا هنگامی که دولت‌های ملی وجود معنادار و حاکمیت عینی دارند، این گونه از جنبش‌های اجتماعی تنها می‌توانند در چارچوب آن عمل کنند و جهانی شدن و نیروهای آن نیز صرفاً به عنوان عوامل تسهیل‌کننده و تاثیرگذار خارجی عمل می‌کند.

#### ۴. ارزیابی برخی از مصادیق تحلیلی

##### ۴-۱. توان تحلیلی و نقاط قوت

در چارچوب این رهیافت روش‌شناختی، پژوهش‌های تاریخی و تجربی بسیاری صورت گرفته است. نظریه نظام جهانی والرشترین و الگوی تحلیلی کلان آن از محدود حوزه‌های نظریه اجتماعی است که تحول نظام‌مند سوسیالیسم دولتی در سال ۱۹۹۰ میلادی را پیش‌بینی کرد. (اکسفورد، ۱۳۷۸، ۹۱) رونالد رابرتسون، به مثابه یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین شارحان نظریه جهانی شدن، در موارد بسیاری با الگوی تحلیلی نظام جهانی شریک و همراه است. (رابرتسون، ۱۳۸۵ و همیلتون، ۱۳۸۵، ۱۶۰) جان فورن هم با استفاده از یک مدل چند عاملی و با ترکیب نظریه‌های متفاوت دولت، وابستگی و نظام جهانی از سویی و تحلیل شیوه‌های گوناگون تولید از سوی دیگر، الگوی نظری جدیدی برای مطالعه جنبش‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون در جهان و انقلاب‌های جهان سومی ارائه داد. او با استفاده از نظریه نظام جهانی و با تاکید بر فضای مطلوب جهانی یا گشایش در نظام جهانی، تاثیر



عوامل فراملی بر ایجاد وضعیت انقلابی در کشورهای مورد مطالعه را بررسی کرد. وی این چارچوب نظری را به طور موفقیت‌آمیزی در مورد تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخی ایران از دوران صفویه تا پیروزی انقلاب اسلامی به کار برد. (فوران، ۱۳۹۲، و کتابی، ۱۳۸۳، ۶۷-۶۸)

از این دیدگاه، مجموعه پیچیده‌ای از روابط بازیگران، کارگزاران و ساختارهای داخلی و خارجی، و مناسبات سیاسی و اجتماعی در تحولات سیاسی و اجتماعی به ایفای نقش می‌پردازند و عامل شکل‌گیری اشکال خاصی از تغییر و تحول اجتماعی در طول تاریخ جهان تلقی می‌شوند. بنابراین، در بررسی تحولات اجتماعی بدون شناخت عمیق موقعیت تاریخی یک جامعه در نظام جهانی از سویی و واکنش این نظام به تحولات درونی جامعه از سوی دیگر میسر نخواهد بود. به طور مثال در مورد ایران، گشایش در نظام جهانی (اجرای سیاست حقوق بشر کارتر و فشار سیاسی آمریکا بر رژیم شاه) به طور نسبی زمینه بروز انقلاب اسلامی را فراهم کرد و البته با بهره‌گیری هوشمندانه بازیگران داخلی از فضای باز سیاسی و موقعیت جدید ایران در نظام جهانی، انقلاب اسلامی پیروز شد. (ر.ک. به: کتابی، ۱۳۸۳، ۶۷)

فوران این طرح مطالعاتی گسترده و نظریه‌پردازی در باره انقلاب‌های بزرگ جهانی را در اثر دیگری با مقایسه انقلاب‌های گوناگون قرن بیستمی ادامه داد و به نظریه‌پردازی انقلاب‌ها پرداخت. وی به صورت تطبیقی، پدیده جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و به ویژه انقلاب را در جوامع مختلف بشری و در کشورهای گوناگون جهان در چارچوب یک نظام به هم پیوسته جهانی مورد مطالعه قرار داد و بدین ترتیب، جانی دوباره به این حوزه نظری بخشید. (فوران، ۱۳۸۲) نگارنده در مقاله دیگری به معرفی و نقد این کتاب ارزشمند و رهیافت نظری آن پرداخته است که برای مطالعه بیشتر در جای خود قابل مراجعه است. (خلجی، ۱۳۸۶، ۷۷-۱۰۹) تدا اسکاچپول نیز به رغم رویکرد دولت‌گرایانه در تبیین علل و عوامل تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع گوناگون بشری و وقوع انقلاب‌های اجتماعی در سطح جهانی، شرایط بین‌المللی و عامل فشارهای شدید نظام جهانی سرمایه‌داری را نیز در چارچوب نظریه انقلاب خویش می‌گنجاند و بدین سان، البته به طور تلویحی، به پیامدهای نظری نظام جهانی در تحلیل انقلاب‌های اجتماعی گردن می‌نهد. (اسکاچپول، ۱۳۸۹)

رویکرد تحلیلی پری اندرسون نسبت به تحولات گسترده سال ۲۰۱۱ میلادی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام که بیداری اسلامی یا بهار عربی نام گرفت، یکی دیگر از آثار

جدیدی است که با رویکردی کلان و در چارچوب نظریه نظام جهانی به نگارش در آمده است. او با اتخاذ این الگوی تحلیلی برای توضیح ابعاد مختلف و تبیین علل و عوامل جنبش‌های سیاسی و اجتماعی فراملی در جهان عرب لقب «شورش‌های عربی» به آن داد و آن را از جمله رخدادهای تاریخی نامید که تنها سه نمونه تاریخی از آن را می‌توان معرفی کرد: جنگ‌های رهایی‌بخش اسپانیایی-آمریکایی (لاتین) که در ۱۸۱۰ آغاز و در ۱۸۲۵ پایان یافت؛ انقلاب‌های ۴۹-۱۸۴۸ اروپا که از فرانسه آغاز شد؛ و سقوط رژیم‌های سیاسی سوسیالیستی در بلوک شرق و اردوگاه شوروی در ۹۱-۱۹۸۹ که از فروپاشی دیوار برلین شروع گردید. البته هر یک از این رخدادهای سیاسی و اجتماعی گسترده از نظر تاریخی، خاص زمان و مکان خود بودند، هم‌چنان که زنجیره انفجارهای اجتماعی در جهان عرب چنین خواهد بود. (اندرسن، ۱۳۹۰، و Anderson, 2011) بدین سان، این الگوی تحلیلی قابلیت‌های خود را در تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده در هر دوره تاریخی جهان به خوبی نشان می‌دهد و همواره امکان تحول نظام جهانی را برجسته می‌سازد.

#### ۴-۲. ناکارآمدی و نقاط ضعف

الگوی تحلیلی نظام جهانی از توانمندی تحلیلی و قدرت تبیینی مناسبی برخوردار است. با این وجود، انتقاداتی نیز بر این الگوی تحلیلی وارد شده است: کسانی چون زولبرگ، اسکاچپل و گیدنز می‌پذیرند که جامعه جهانی از ساختار سلسله مراتبی مورد نظر در الگوی نظام جهانی برخوردار است؛ اما با این حال، مفروضه‌های فروکاهنده و تقلیل‌گرایانه این نظریه را به چالش کشیده‌اند. زیرا به نظر آنان، در این الگوی نظری جایگاه کاذبی به قدرت سیاسی و فرهنگ اعطا شده است. همچنین اقتصادگرایی بنیانی نظام جهانی، امکان و ظرفیت نوآورانه تحلیل نظام جهانی را با مانع رو به رو می‌کند. در واقع، کانون تحلیل منتقدان بر بعد فرهنگی منتقل شده است. زیرا این بعد به کارکردهای مشروعیت بخش روبنا، یعنی قانون، دین، اخلاق و سیاست محدود شده است. یعنی با تقدم اقتصادگرایی، فرهنگ به صورت انگلی بر روی عوامل تعیین‌کننده طبقاتی عمل می‌کند. (همیلتون، ۱۳۸۵، ۱۵۰-۱۵۲) بدین سان، کم‌لطفی الگوی تحلیلی نظام جهانی به فرهنگ محل انتقاد بنیادی قرار گرفته است. در مقاله نوذری انتقادات مهمی بر نظریه نظام جهانی و دیدگاه‌های والرشترین وارد شده است؛ انتقاداتی که بیشتر بر پیش‌زمینه‌های چپ‌گرایانه نظریه نظام جهانی مربوط است. اما به رغم طبقه‌بندی انتقادات از ذکر نقاط مثبت آن غفلت نشده است.

نخست، توسعه نیافتگی جوامع پیرامون لزوماً به واسطه نقش و دخالت مرکز نیست. دوم، مناسبات جوامع سوسیالیستی با نظام جهانی چگونه است و آنها چه جایگاهی در تقسیم بندی سه گانه آن دارند؟ سوم، نیروهای بیرونی نظام اقتصاد جهانی یا فرآیندهای درونی نظیر مبارزه طبقاتی، در تحول اجتماعی نقش بیشتری دارند؟ چهارم، نظریه نظام جهانی با تاکید بر فرآیندهای اقتصادی، پدیده تحول فرهنگی را نادیده می گیرد و از نقش و تاثیر فرآیندها و علل و عوامل فکری، نظری و فرهنگی غافل مانده است. زیرا از دیدگاه نظریه پردازانی چون رابرتسون و لچنر یک نظام جهانی مرکب از فرهنگ جهانی وجود دارد که از فرآیندهای اقتصادی سرمایه داری مستقل است. در خلال دهه ۱۹۹۰ نیز مفهوم جهانی شدن در سطحی چشمگیری جایگزین نظریه نظام جهانی شده است. (نوذری، ۱۳۹۲، ۷)

علاوه بر آن، دو انتقاد عمده بر پیکربندی نظریه نظام جهانی و دیدگاه‌های والرشتاین وارد شده است. برخی از مارکسیست‌ها به طرح این نگاه اعتراضی و انتقادی پرداخته اند که والرشتاین به مناسبات طبقاتی به منزله کلید اصلی روند توسعه سرمایه داری توجه ناچیزی مبذول داشته است. داعیه وی مبنی بر این که مناسبات طبقاتی پیرامون - نظام سرفداری و برده داری - نقشی بنیادین در شکل گیری نظام جهانی مدرن ایفا کرده است، تاکید و تصریح مارکس بر اهمیت و نقش کارمزد به عنوان شرط لازم نظام سرمایه داری مدرن را دست کم گرفته و آن را کم رنگ می کند. تاکید وی بر محوریت مناسبات مرکز - پیرامون، نقش و اهمیت مناسبات مبادله‌ای (تجارت) بر مناسبات تولیدی (تملک ارزش اضافه از طریق استثمار سرمایه دارانه کارمزدی) مقدم می دارد. این انتقادهای تکراری به بسیاری مارکسیست ها اجازه می دهد تا به افراطورزی در تحلیل مناسبات طبقاتی اجتماعی ادامه دهند. دومین انتقاد عمده از سوی کسانی صورت گرفته است که معتقدند والرشتاین عوامل اقتصادی را بر سیاست و دولت‌ها مقدم داشته است. به نظر برخی از جامعه‌شناسان سیاسی، تمرکز والرشتاین بر تقسیم کار مرکز - پیرامون، تفاوت‌های مهم بین ساختارهای نهادی دستگاه‌های دولتی و تلاش‌ها و مبارزات بر سر تغییر خط مشی را که در عرصه سیاست به عمل می‌آید، نادیده می‌گیرد. با این وجود هم مارکسیست‌های حامی اهمیت و تقدم مناسبات تولید و هم جامعه‌شناسان سیاسی معتقد به ضرورت توجه به «اهمیت و نقش و منزلت دولت و سیاست» و طرفدار «برگرداندن دولت به کانون تحلیل» از درک ویژگی‌های ارزیابی و تحلیل روایی والرشتاین در باره فرآیند تکامل تاریخی نظام جهانی مدرن عاجز بوده و آن را از قلم انداخته‌اند. چون وی بارها تاکید کرده اس که چگونه تفاوت‌های موجود در

ساختارهای طبقاتی منطقه‌ای یا ملی به نتایج و دستاوردهای مهم و برجسته‌ای انجامیده است. مانند نقش عمده پرتغال در بسط و گسترش اروپا در قرن پانزدهم یا ظهور هژمونی-های هلند و بریتانیا در سطح جهان. به نظر والرشتاین جهانی شدن همان اندازه یک چرخه و سیکل است که یک گرایش یا روند. موج ادغام جهانی که دهه‌های گذشته جهان را درنوردیده است، با مطالعه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با موج تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی در نیمه دوم قرن نوزدهم بهتر قابل درک است. زمانی که چرخه‌ها و گرایش‌های نظام جهانی و بازی‌ها به جایی قدرت یعنی توسعه نابرابر سرمایه‌دارانه در کانون توجه و تاکید قرار می‌گیرند، به جای دگرگونی‌ها و تحولات بنیادین، صرفاً استمرارها و پیوستگی به چشم می‌آیند. (نوذری، ۱۳۹۲، ۷)

به طور کلی، در نقد نظریه نظام جهانی به نکات مهمی اشاره می‌شود. خاستگاه نظری چپ-گرایانه، ریشه‌های مارکسیستی، نزدیکی به نظریه وابستگی، غفلت از پویایی‌های سیاسی نظام و نقش برتر دولت‌ها در آن، گرفتاری در چنبره واقع‌گرایی و بی‌توجهی به ظرفیت‌های فرهنگی و هویتی موجود در عرصه جهانی، نفی پویای‌های کارگزاران سیاسی و اجتماعی و گرفتاری در بند ساختارهای تعیین‌کننده، کارکردگرایی و غایت‌انگاری پنهان به گونه‌ای که همه چیز در خدمت نظام جهانی پنداشته می‌شود. با این حال، این رویکرد نظری و رهیافت روشی، توانایی و کارآمدی خود را در عمل به اثبات رسانده است و هنوز هم در مراکز دانشگاهی و محافل علمی و پژوهشی در جهت تبیین علل و عوامل جنبش‌های سیاسی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

الگوی تحلیلی نظام جهانی از گسترده‌ترین تلاش‌های نظری است که از رویکرد کلان‌نگرانه جامعه‌شناسی تاریخی-تحلیلی تاثیر پذیرفته است. این الگوی روش‌شناختی، توجه خاصی به نقش ساختار نظام جهانی در شکل‌گیری و تحول مناسبات بین‌المللی و به تبع آن در خیزش، شکل‌گیری، استمرار و پیامدهای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، به ویژه گونه‌های نوین آن دارد. بدین سان، این الگوی نظری، سایر الگوهای سنتی را برای تجزیه، تحلیل و تبیین جنبش‌های اجتماعی جدید فاقد پویایی، کارایی و توانایی لازم معرفی می‌کند و خود الگوی تحلیلی کلان‌تری را برای این منظور معرفی می‌نماید.

به طور کلی، یک درک کامل از چشم‌انداز نظری الگوی نظام جهانی در چارچوب تحلیل جامعه‌شناسی تاریخی-تحلیلی جنبش‌های اجتماعی، نیازمند مقایسه آن با الگوی رقیب آن در علوم اجتماعی، یعنی برخی از چشم‌اندازهای نظری چون الگوی توسعه‌مدار است. زیرا جنبه اصلی چشم‌انداز الگوی توسعه‌ای درک و فهم تغییر به مثابه فرایندی درون‌زا می‌باشد و بر منابع اجتماعی و ساختاری تغییر و تحول تأکید می‌ورزد. در حالی که الگوی نظام جهانی تلاشی برای نجات علم جامعه‌شناختی تغییر از چنگ توسعه‌گرایی است و هرگونه تغییر و تحول را به منزله فرایندی برون‌زا تلقی می‌کند که البته برای نظام جهانی عاملی درون‌زا محسوب می‌شود. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: اسکاچ‌پل، ۱۳۸۸، ۳۱۳-۳۱۴) بدین‌سان، الگوی نظام جهانی در تحلیل جنبش‌های اجتماعی می‌تواند برای تبیین هر گونه حرکت اجتماعی و تنش‌های سیاسی و مسایل امنیتی در جوامع متفاوت بشری کاربرد مناسب و مطلوبی داشته باشد و کانون جاذبه تحلیلی و تبیینی قدرتمندی معرفی گردد.

## منابع

- آشتیانی، منوچهر. ۱۳۸۸، درآمدی به بحران جامعه‌شناسی معاصر، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اسکاچ‌پل، تدا. ۱۳۸۸، بیش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آغاچری، تهران: نشرمرکز.
- اسکاچپول، تدا. ۱۳۸۹، دولتها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سید مجید روئین‌تن، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- اسکلیر، لسلی. ۱۳۷۴، جامعه‌شناسی نظام جهانی، ترجمه علی هاشمی گیلانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- اکسفورد، باری. ۱۳۷۸، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- اندرسن، پری. ۱۳۹۰، «در باره زنجیره شورشها در جهان عرب، احیای منزلت دموکراتیک اعراب»، ترجمه پرویز صداقت، روزنامه شرق، شماره ۱۲۴۰، یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰.
- اوفه، کلاس. ۱۳۸۶، «جنبش‌های اجتماعی جدید: به چالش کشیدن مرزهای سیاست نهادین»، در جین کوهن و دیگران، فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، ترجمه و تالیف علی حاجلی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ، ص ص ۱۸۱-۲۳۳.
- بشیریه، حسین. ۱۳۸۴، گذار به دموکراسی، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین. ۱۳۸۷، گذار به مردم‌سالاری (گفتارهای نظری)، تهران: نگاه معاصر.

#### ۴۶ الگوی نظام جهانی و تحلیل جنبش‌های اجتماعی

- جان فورن [...] و دیگران]. ۱۳۸۲، **نظریه پردازی انقلاب‌ها**، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- خلیجی، عباس. ۱۳۸۶، «جان فورن و نظریه پردازی انقلاب‌ها»، **دوفصلنامه نامه علوم انسانی**، شماره ۱۶، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، صص ۷۷ تا ۱۰۹.
- رابرتسون، رونالد. ۱۳۸۵، **تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی**، ترجمه کمال پولادی، چاپ سوم، تهران: نشر ثالث.
- سلیمی، حسین. ۱۳۷۹، **فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر**، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- سو، آوین. ۱۳۸۰، **تغییر اجتماعی و توسعه**: مروری بر نظریات نو سازی، وابستگی و نظام جهانی، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طالبان، محمدرضا. ۱۳۸۸، **روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران**، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- علیشیری، بهروز. ۱۳۸۵، **نظام جهانی و جهانی شدن**، تهران: گستره.
- فوران، جان. ۱۳۹۲، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران**: از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات رسا.
- کاظمی، علی اصغر. ۱۳۸۰، **جهانی شدن، فرهنگ و سیاست** (نقد و تحلیل نظری، معرفت‌شناختی)، تهران: نشر قومس.
- کتابی، محمود، صمد کلانتری و کریم رضادوست. ۱۳۸۳، «نظریه نظام جهانی جان فوران و انقلاب اسلامی ایران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۳، ۱۳۸۳، صص ۶۷-۸۵.
- کوهن، جین ... و دیگران. ۱۳۸۶، **فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید**، ترجمه و تالیف علی حاجلی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- کوهن، سال برنارد. ۱۳۸۷، **ژئوپلیتیک نظام جهانی**، ترجمه، تهران: ابرار معاصر تهران.
- گل محمدی، احمد. ۱۳۸۱، **جهانی شدن، فرهنگ، هویت**، تهران: نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۵، «نظریه نظام جهانی: توانمندی‌ها و محدودیت‌های یک دیدگاه رادیکال»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۷۱، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۵۳-۲۷۶.
- نش، کیت. ۱۳۸۲، **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر**، جهانی شدن، سیاست و قدرت، چاپ دوم، تهران: کویر.
- نوذری، حسینعلی. ۱۳۹۲، «والرشتاین» و نظریه نظام‌های جهانی»، **روزنامه شرق**، شماره ۱۹۶۶، یکشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۲، صفحه ۷ (اندیشه).
- والرشتاین، امانوئل. ۱۳۸۴، **سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی** (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر)، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی، تهران.

هانتینگتون، ساموئل و دیگران. ۱۳۸۶، گذار به دموکراسی، ترجمه و تالیف محمدعلی کدیور، تهران: گام نو.  
هانتینگتون، ساموئل. ۱۳۸۰، تمدن ها و بازسازی نظام جهانی تهران: کتابسرا.  
همیلتون، گری جی. رندال کولیز و دیگران. ۱۳۸۵، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: انتشارات کویر.

Anderson, Perry. 2011, "ON THE CONCATENATION IN THE ARAB WORLD",  
New Left Review, March – April, 2011.

<http://anthropology.ir/node/۵۶۸۴>

<http://anthropology.ir/node/۶۷۴>

[http://dipna.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=۳۴۲۴&Itemid=#۱ixzz۱۵snz۶hp](http://dipna.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۳۴۲۴&Itemid=#۱ixzz۱۵snz۶hp)

[http://dipna.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=۳۴۲۴&Itemid=۱](http://dipna.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۳۴۲۴&Itemid=۱)

<http://magalat۱۳۸۶.blogfa.com/post-۱۵.aspx>

<http://magiran.com/view.asp?Type=pdf&ID=۲۳۲۱۳۴>

<http://neeloofar.ir/thinker-/۴۰-akrami/۳۷-۳۲-۱۱-۲۳-۱۰-۱۳۸۸-۹۷.htm>

[http://negaresh.de/didgah/Keyvan\\_Jameye\\_Madani\\_۱.htm](http://negaresh.de/didgah/Keyvan_Jameye_Madani_۱.htm)

[http://www.aftab.ir/articles/view/politics/political\\_science/c۱c۱۲۰۶۲۶۸۵۱۶p۲.php/%D](http://www.aftab.ir/articles/view/politics/political_science/c۱c۱۲۰۶۲۶۸۵۱۶p۲.php/%D)

[%AC%D%AA%D%۸۵%D%۸B%D%۸۷%D%۹-](#)

[%D%۸۵%D%۸AF%D%۸۶%D%۸C-%D%۸۸%D%۹-](#)

[%D%AC%D%۸۶%D%AA%D%۸B%D%۸۷%D%۸A%D%۸C-](#)

[%D%AA%D%AA%D%۸۵%D%AA%D%۸B%D%۸C](#)

<http://noorportal.net/PrintArticle.aspx?id=۴۰۱۵۴>

[http://www.dipna.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=۳۷۲۳&Itemid=#۱ixzz۱۵sh۹SpiI](http://www.dipna.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۳۷۲۳&Itemid=#۱ixzz۱۵sh۹SpiI)

[http://www.dipna.ir/index.php?option=com\\_content&task=view&id=۳۷۲۳&Itemid=۱](http://www.dipna.ir/index.php?option=com_content&task=view&id=۳۷۲۳&Itemid=۱)

[http://www.fasleno.com/archives/social\\_movements\\_and\\_revolutions/۰۰۰۴۷۲.php](http://www.fasleno.com/archives/social_movements_and_revolutions/۰۰۰۴۷۲.php)

[http://www.fasleno.com/archives/social\\_movements\\_and\\_revolutions/۰۰۰۴۷۲.php?q=save](http://www.fasleno.com/archives/social_movements_and_revolutions/۰۰۰۴۷۲.php?q=save)

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?LanguageID=۱&id=۳۴۴۲۶&SubjectID=۸۱۳۱۶>

<http://www.lalalar.blogfa.com/post-53.aspx>

<http://www.rrojasdatabank.org/agfrank/>

[rouzegarema.blogfa.com](http://rouzegarema.blogfa.com)







پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی